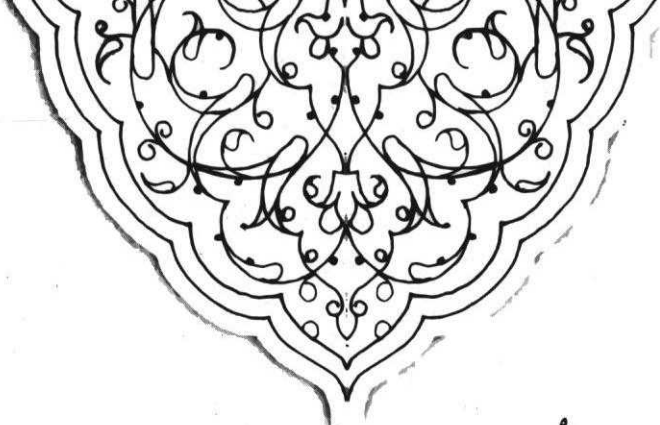




الف ک نامہ

www.ketab.ir

علامہ محمد محسن فیض کاشانی (رح)

تصحیح و تحقیق: محمد رضا میرزائی بنادی



تقدیم به آن مایه الفت و اخوت،
به آن فخرامت سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی.

اگر نصیب نبخشی نظر دریغ مدار
شکر فروش چنین ظلم بر مگس نکند

بنال سعدی اگر عشق دوستان داری
که هیچ بلبل از این ناله در قفس نکند



عنوان: الفت نامه

ناشر: کتابستان معرفت

نویسنده: علامه محمد محسن فیض کاشانی (ره)

مصحح: حمیدرضا میررکنی بنادکی

ویراستار: مریم شیری

طراح جلد و صفحه آرا: حامد عطائی فرزانه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۰۸-۶۷-۴

چاپ: اول ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: زمزم

صحافی: جواهری

کتابستان تهران: خیابان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، بین منبری جاوید و ۱۲ فروردین، پلاک ۱۹۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۹۵۹ - ۶۶۹۶۲۹۶۰

کتابستان قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه چهارم، پلاک ۴۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۱۰۷۴ / همراه: ۰۹۱۲۶۳۶۶۹۶۲

پایگاه اینترنتی: www.Ketabestan.net

اینستاگرام: Ketabestan.ir

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان معرفت محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

نقل است که فارابی فیلسوف دعایی داشته است بس عظیم؛ «یا ذا الجلال و الافضال» ارنی الحق حقاً و الهمنی اتباعه و الباطل باطلاً احرمنی اعتقاده و اسماعه»^۱. گرچه در انتساب الفاظ این دعا به فارابی نباید اصرار ورزید، دست کم پیداست کسانی که این دعا را به فارابی نسبت داده‌اند، میان این عبارات و شخصیت فارابی مناسبتی دیده‌اند. متن دعا باید توضیح‌دهنده این مناسبت باشد: «بارخدا، حق را چنانکه حق است بر من بنمایان». رؤیت حق چنان که هست و دیدن امور چنان که هستند، باید غرض نهایی کار فیلسوف باشد. علم از همین رو جستن است؛ جستن است تا حق، حق به چشم آید و باطل، باطل. فارابی این جهت را عملاً در آثار خود نیز دنبال کرده است؛ او در تقریر فلسفه افلاطون کار افلاطون را جستن سعادت، آن گونه که واقعاً هست - نه آن طور که می‌نماید و دیگران گفته‌اند - معرفی می‌کند. افلاطون فارابی به دنبال دیدن حق است چنان که حقاً هست.^۲ خود فارابی هم در مقام فیلسوف، در آراء اهل المدينة الفاضلة، آن حق را که باید بدان اعتقاد داشت، پژوهیده و خلافتش را نیز آشکار ساخته است. بنابراین، این فراز دعا را مناسبتی آشکار است با فارابی فیلسوف. اما مضامین دیگری هم در میان است که مناسبت آن‌ها با آنچه مورخین از فارابی ثبت کرده‌اند، روشن نیست.

۱. اخوان الصفا، مجمل الحکمه، ص ۲۷ (مصدر تاریخی این نقل، تاریخ خزرچی است).

۲. نک: ابن‌نصر محمد فارابی، افلاطون فی الاسلام (فلسفه افلاطون اجزاها و مراتب اجزاها)، ص ۳.